

کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن

ایمان قلندریان گل‌خطمی / دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس / iman_gh2006@yahoo.com
مهدی حقیقت‌بین / استادیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس / haghghatbin@modares.ac.ir
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۸/۲۸

چکیده

از آن‌جا که منظر شهری، امکان قرائت محیط را به بیننده می‌دهد، جایگاه مهمی در شهرسازی دارد. منظر شهری باید ویژگی‌های مختلفی داشته باشد که امنیت یکی از آن‌هاست. امنیت از جمله اصولی به شمار می‌آید که در اسلام به آن توجه فراوانی شده است. اسلام برای تمامی جنبه‌های زندگی بشر برنامه دارد و آشکارا پیدایش امنیت، فراوانی و رفاه را در رعایت قوانین و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی با تکیه بر عقل و شرع قرار داده است. قواعد فقه یکی از منابع مورد استفاده در اسلام برای استخراج احکام و روش عمل، به شمار می‌آید. در این مقاله، تلاش شده ضمن معرفی اصول شهر امن و عوامل مؤثر در دستیابی به امنیت در اسلام، معضلاتی چون به خطر افتادن جان و مال مسلمانان، آسیب‌های مادی و معنوی مرتبط با فعالیت و رفتار دیگران، ائتلاف مال و ... معرفی گردند که این آسیب‌ها، تهدید و نقضی بر نمایش و تجسم امنیت در شهر و منظر آن است. به موضوعات یادشده آشکارا در قواعد فقهی اشاره شده و توجه و دخالت آن‌ها در قوانین شهری، می‌تواند نقش بسزایی در ظهور و دستیابی به امنیت در منظر شهری داشته باشد. نتایج حاصل از پژوهش، نشان می‌دهد با تکیه بر قواعد و منابع فقهی و حضور مجتهدان و صاحب‌نظران در جلسات تدوین اصول کلی مدیریتی و اجرایی شهر، می‌توان زمینه‌های لازم برای ظهور و تجسم مفاهیم و آموزه‌های دینی مرتبط با شهر و زندگی اجتماعی شهروندان را در منظر شهری فراهم نمود. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها، به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: منظر شهری، امنیت، قواعد فقه، اسلام.

مقدمه

اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده یا تغییردهنده شهرها و فضاهای شهری را باید در ارزش‌های اعتقادی جامعه و تحولات آن‌ها جست‌وجو نمود. این ارزش‌ها در طول دوره‌های زمانی مختلف، به فراخور اهمیت آن‌ها ثابت است یا با شرایطی تغییر می‌کند. انقلاب صنعتی و دوران استعمار، یکی از دوران خاص است که امتزاج گسترده ارزش‌های کشورهای استعمارگر با مستعمره‌ها را شاهد هستیم.

با انقلاب صنعتی و خصوصاً گسترش استعمار، تکنولوژی و فرهنگ غربی به کشورهای دارای تمدن کهن (به ویژه جوامع دینی و مشخصاً کشورهای اسلامی) وارد شد و آرا بیگانگان، بدون هیچ مانع جدی به این کشورها راه یافت. کشورهای زیر سلطه، با الگو قرار دادن جوامع صنعتی، سعی در شبیه شدن به آن‌ها نمودند، غافل از این که این روند، عامل تغییر اخلاق و رفتار و فکر و جهان‌بینی‌شان نیز خواهد شد. قلمرو معماری و شهرسازی، یکی از زمینه‌هایی است که این دگرگونی ویران‌گر را می‌توان در آن آشکارا مشاهده کرد.

در مقوله معماری و شهرسازی (هم‌چون سایر مواردی که رنگ و بوی توسعه و تکنولوژی به خود می‌گیرند)، مبانی نظری و فلسفی غالباً مخفی‌اند و عموم مردم از آن آگاهی ندارند. به دلیل همین اختفا و نامحسوس بودن، ملل مورد تهاجم (حتی با عقاید استوار دینی و ملی)، در مقابل هجوم و گسترش الگوهای بیگانه و وارداتی که منبعث از تفکرات غیرالهی بعد از رنسانس است، مقاومت لازم را از خود نشان ندادند. (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۵)

تغییرات در حوزه معماری و شهرسازی، در بسیاری از موارد، متفاوت و گاه متضاد با ارزش‌های ایرانی - اسلامی، به خصوص باورهای شیعی است. اسلام دین کاملی است^۱ و مسلمانان را از پذیرش رفتارها و هنجارهای غیراسلامی برحذر می‌دارد؛ زیرا می‌خواهد

۱. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». (سوره مائده، آیه ۳)

مسلمانان در ارزش‌ها و اصول خود ممتاز باشند. (هشام مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۹۵) از طرفی اسلام، پذیرش هرگونه مفهوم ایدئولوژیک یا رفتار غیراسلامی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اعتقادات اسلامی تأثیر می‌گذارد، ممنوع نموده است.^۱ مسلمانان در اصول و روش‌های ساخت‌وساز خود، باید به این مسأله توجه کنند. البته بی‌شک امروزه با توجه به تحولات زندگی انسان‌ها و پیچیدگی حاکم بر مناسبات اجتماعی و روابط انسان‌ها، هرگز نمی‌توان انتظار داشت که معماری و شهرسازی صدر اسلام، در شهرهای امروزه تحقق یابد. مهم، انتقال فرهنگ اسلامی به ساختارهای کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است تا از این طریق، جهت‌گیری همه فعالیت‌های جامعه، جهت‌گیری الهی و دینی باشد. «هیچ فرهنگی نتوانسته مستقل از یک مذهب پدیدار شود و گسترش یابد، چنین می‌نماید که فرهنگ، محصول مذهب یا مذهب، محصول فرهنگ است». (الیوت، ۱۳۶۹، ص ۱۱)

فهد الحریقی نویسی: در مطالعات خود درباره ویژگی‌های مذهبی در ساخت محیط مسلمانان، معتقد است احادیثی از پیامبر ﷺ وجود دارد که ایشان از مؤمنان می‌خواهد با عمل به ارزش‌ها و رفتارهای اسلامی و پرهیز از رفتارهای غیراسلامی هویت خویش را از غیرمسلمانان آشکارا متمایز سازند. (هشام مرتضی، همان)

فکر و تعقل، جایگاه ویژه‌ای در مبانی تفکر شیعه دارد که از نگاه ویژه قرآن به عقل و تعقل متأثر است. کلمه عقل و مشتقات آن، ۴۹ بار در قرآن استفاده شده که چهار صیغه «عقلوه» (یکبار)، «بعقلون» (۳۲بار)، «تعقل» (یک بار) و «تعقلون» (۲۴ بار) را شامل می‌شود. از این رو، شیعیان همواره تلاش نموده‌اند تا رفتارهای خود را تحت قوانین الهی

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا». (سوره نساء، آیه ۵۹)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ». (سوره آل

(فقه) انجام دهند. به همین منظور، در تمامی زمان‌ها برای هر یک از رفتارهای خود، قاعده و قانون درست را از فقیهان جويا شده‌اند. معماران شیعه‌مذهب با حکمت خویش، مبانی عرفانی و آسمانی تشیع را دریافت کردند و الهامات و اعتقادات الهی را برای ایجاد هویت ویژه برای مکان، سازمان‌دهی و قدسی کردن فضای بعضی عناصر معماری چون مساجد، باغ‌ها و... به‌کار بردند.

کالبد شهر سنتی اسلامی، تجسم فرهنگ و نمایش تأثیر مستقیم و بلامنازع احکام و اصول شریعت اسلامی است. «اصولا مسلمانان سعی می‌نمودند تا هر رفتار خود را تحت حوزه حکومتی قوانین صادره از سوی فقه، شکل و اندازه‌ای شایسته و درخور ببخشند و به همین منظور، برای هر یک از رفتارهای خود، از فقه و حکیمان فقیه، قاعده و قانون درست را جويا می‌شدند». (علی‌آبادی و هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۶۸) از این رو منظر شهری، نمایشی مستقیم از این باور ایشان بوده است. مؤمن وقتی به عالم می‌نگرد، پیوسته از ظاهر آن به باطن سیر می‌کند و این سیر، عبادت است و بالطبع چنین منشی در کار هنری او هم دیده می‌شود. چنین سیری در معماری و طراحی شهری، به علت این‌که وجود مادی، منحصر به ماده‌ای نیست که اثر هنری با آن پدید می‌آید، دشوارتر است. (پورجعفر، ۱۳۹۳، ص ۳۴-۳۵).

منظر شهری از آن‌جا که امکان قرائت محیط را به بیننده می‌دهد، اهمیت زیادی می‌یابد. محیط بصری شهر، وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان ابعاد گوناگون شهر را به مثابه یک متن قرائت نمود. منظر شهری از طریق نظام نشانه‌ای خود، قادر است ارزش‌های مورد توجه جامعه را به تماشاگران اطلاع دهد. منظر شهری می‌تواند نفوذ ارزش‌های مذهبی را در شهرهای مذهبی به نمایش بگذارد. (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۹۹-۱۰۰)

امنیت از جمله اصولی است که اسلام توجه فراوانی به آن دارد. پیامبر اعظم ﷺ به کلام وحی و امنیت همه‌جانبه در کشورهای اسلامی و برای عموم شهروندان بسیار توجه داشتند.

در نگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام الگوپذیری از سیره نبوی و کلام فاخر قرآن در کنار مقتضیات و مصلحت جامعه اسلامی و حق داشتن امنیت و آسایش برای همه اتباع سرزمین اسلامی بسیار اهمیت دارد. از این رو نمایش، تجسم و یادآوری امنیت در منظر شهرهای اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اولین دعای حضرت ابراهیم علیه‌السلام برای شهر مکه، طلب امنیت بود.^۱ هم‌چنین در قرآن می‌فرماید: «خداوند کسی است که قوم قریش را از ترس دشمن آسوده‌خاطرشان کرد».^۲

این مقاله، با هدف دستیابی به اصول و مؤلفه‌های منظر شهری امن با توجه به قواعد فقهی نوشته شده است. لذا در ادامه، ضمن پرداختن به فقه و بعضی مفاهیم مرتبط با آن، به‌صورت خاص، به چگونگی و جایگاه فقه در تحقق منظر شهری امن پرداخته خواهد شد.

فقه

«واژه فقه در لغت، به معنای فهمیدن و نیک فهمیدن و دریافتن کنه و عمق مطلب است. این واژه، از جمله واژگانی است که پس از تشریح شرع مقدس اسلام معنای نخست خود را ترک کرد و در اصطلاح به معنای محدودتری اختصاص یافت» (صدری، ۱۳۹۳، ص ۳) برخی پژوهش‌گران، فقه را به معنای فعالیت جمعی فقیهان معنا کرده‌اند، اعم از این‌که فعالیت جمعی و جاری فقیهان در تمام طول تاریخ و ادوار گذشته و حال، بررسی گردد و یا فقط به فعالیت جمعی فقیهان حاضر توجه شود. (خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷-۱۱۸)

غالب صاحب‌نظران، مجموعه تعالیم اسلامی را در سه بخش (جدول شماره ۱)، قابل تقسیم دانسته‌اند:

۱. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ». (سوره بقره، آیه ۱۲۶)

۲. «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ». (سوره قریش، آیه ۴)

جدول شماره ۱: تقسیم‌بندی تعالیم اسلامی بر اساس هدف

بخش	هدف	مفاهیم و عناوین مرتبط
معارف و اعتقادات	گشودن پنجره‌های روشن به شناخت جهان و رسیدن به اندیشه‌ای کمال‌یافته و بدون نقص و فساد به نام ایمان	مبداء، معاد، وحی، نبوت، ملائکه و امامت، بهشت و دوزخ
اخلاقیات و امور تربیتی	هدایت، کنترل، رشد و نهایتاً به کمال رسانیدن روح و روان انسان و به سامان نمودن مجموعه رفتارهای او در شکل متعالی و خداگونه	تقوا، عدالت‌محوری، جود و سخا، صبر و استقامت بر مشکلات و رضایت‌مندی از نظام‌مندی جهان و نظام‌مندی وقایع واقع‌شونده در آن
بخش احکام و قوانین علمی (فقه)	تعیین بایدها و نبایدها در چگونگی انجام دادن رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان و تعریف هندسه کمی و کیفی آنها	بایدها و نبایدها، حقوق، قوانین و مقررات موضوعه، ارزش‌ها و زیبایی‌های مادی و معنوی نظام زندگی اسلامی

مأخذ: نگارندگان اقتباس از: علی‌آبادی و هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۷۰

با گذشت زمان و با توجه به گسترش علوم و مسائل مختلف، تعداد موضوعاتی که در معرض پاسخ‌گویی فقه قرار می‌گیرند، افزایش می‌یابد. فقهای هر عصر، باید با روشن‌بینی و احاطه علمی و پای‌بندی به روش فقاها از یک‌سو، و آزاداندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدیدی را در فقه، کشف نمایند و احکام تازه‌ای را با استناد به کتاب و سنت عرضه کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۴، ص ۲۰-۲۱)

علم اصول فقه، روش کشف و استنباط احکام شرعی است، ولی قواعد فقه، نهادها و بنیادهای کلی فقهی هستند که با توجه به کلیت و شمول خود، فقیه در موارد مختلف از آنها استفاده می‌کند. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲-۳) به عبارتی، قواعد فقه عام و

همه شمولند، اما مسائل فقهی خاص و موردی هستند. چنین به نظر می‌رسد که با بهره‌برداری مناسب و درست از قواعد فقهی در موضوعات خاص و تطابق قوانین موجود شهری با این قواعد، می‌توان در جهت تجسم منظر شهری ایرانی - اسلامی در شهرهای کنونی با اطمینان قدم نهاد.

منظر شهری

در تعریف مفهوم منظر شهری گفته شده است:

منظر شهری آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال وی مؤثر است. در منظر شهری است که بخشی از اطلاعات بالقوه محیط، به کیفیتی مستقیماً محسوس (یا اطلاعات بالفعل) تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، منظر شهری جنبه عینی یا قابل ادراک محیط است که به نوبه خود دارای فرم، عملکرد و معناست. (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱)

همچنین «منظر شهری هنر یک پارچگی بخشیدن بصری و ساختاری، به مجموعه ساختمان‌ها و خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند». (کالن، ۱۳۸۲، الف) در همین زمینه، گلکار (۱۳۸۷، ص ۹۵-۱۱۴) منظر شهری را یک مفهوم از ماهیتی پویا، زنده و تکامل‌یابنده تعریف می‌کند و سیر تکامل مفهوم منظر شهری را مستقل از سیر تحول طراحی شهری نمی‌داند و قلمرو اطلاق مفهوم مزبور را مستمرا و به موازات بلوغ دانش و هنر طراحی شهری پالایش می‌کند.

امنیت در منظر شهری

امنیت یکی از موضوعات مهم و حیاتی برای شهرهاست و مفاهیمی مانند رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی با وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین و ضمانت را دربر می‌گیرد.

«امنیت در فرهنگ فارسی، به معنای آزادی و آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران بیان شده و در فرهنگ علوم رفتاری نیز دو معنا از این واژه شامل یک حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام شود...». (مؤیدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳)

امروزه دانشوران و صاحب‌نظران، امنیت را به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای اساسی انسان در شهرها و اجتماعات انسانی مطرح می‌کنند؛ چنان‌که مازلو، رتبه دوم نیازهای انسانی را در هرم پیشنهادی سلسله‌مراتب نیازهای انسانی خود به امنیت اختصاص می‌دهد. در تبیین مفهوم امنیت، دو بعد متمایز از هم را باید در نظر گرفت: یکی بعد عینی که پارامترهای عینی، محیطی و رفتاری ارزیابی می‌گردد و دیگری بعد ذهنی که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود. البته هر دو بعد نیز می‌توانند تأثیرات مثبت یا منفی بر یک‌دیگر بر جای گذارند که این موضوع، به ضرورت توجه به هر دو در ایجاد امنیت عمومی توأمان تأکید می‌کند. هم‌چنین با توجه به اشاره مذکور، تفاوت ایمنی با امنیت را نیز در این مقوله می‌توان جست‌وجو کرد که ایمنی، بیشتر به سلامت جسمانی انسان و جلوگیری از تهدیدهایی اطلاق می‌گردد که می‌تواند سلامت فیزیکی انسان را به خطر اندازد. در واقع مسائل ملموس و امنیت بیرونی را شامل می‌شود، در حالی که امنیت بیش‌تر جنبه ذهنی و روانی دارد. (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۷)

بر این اساس امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های فعال محیط حاصل شده و پس از ادراک ذهنی، گونه‌ای احساس در امان بودن را به وجود می‌آورد. احساس امنیت نیز از قرارگیری انسان در وضعیت محیطی به مثابه نوعی ادراک روانی حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی - اجتماعی دیگر متمایز می‌گردد؛ لذا شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روان‌شناختی به وضعیت محیطی و از سوی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی وابسته است. (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۷۴)

ادیان و جهان‌بینی‌های مختلف، برای نحوه ارتباط مردم با هم و حفظ آرامش و امنیت در جامعه، اصول و رهنمودهایی دارند. اسلام نیز به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، به لزوم برقراری امنیت و فراوانی تأکید نموده، رعایت قوانین و مقررات اسلامی در روابط اجتماعی را لازم می‌داند و اصول و راهبردهایی را برای برقراری امنیت برمی‌شمرد. قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و خلافت و جانشینی صالحان و طرح امامت می‌داند.^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام نعمت مهم دنیا را امنیت و سلامت جسم، و کمال نعمت آخرت را وارد بهشت شدن می‌دانند، در احادیث دیگر، امنیت از ضروریات اولیه زندگی بشر به حساب آمده و وطنی که امنیت ندارد بی‌ارزش تلقی شده است. در قرآن احساس امنیت از ویژگی‌های مؤمن دانسته شده^۲ و تأمین امنیت از اهداف جهاد شمرده شده است.^۳ در آیه‌ای دیگر، خداوند به رابطه توسعه و امنیت می‌پردازد و توسعه در جامعه را معلول امنیت به حساب آورده، می‌فرماید:

خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد، مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب، روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید. (سوره نحل، آیه ۱۲)

در نمودار ذیل به اصول و راهبردهای تحقق شهر امن از نگاه قرآن اشاره شده است: چنان‌که از نمودار ۱ و نوشته‌های پیش‌گفته برمی‌آید، «قبول اصل توحید و ساختن یک جامعه توحیدی»، «قبول رهبری پیامبران»، «پاکی محیط از گناه» و «آراستگی به ارزش‌های انسانی جامعه و محافظت از شهروندان در مقابل هرگونه ناامنی»، شاخصه‌های شهر امن از

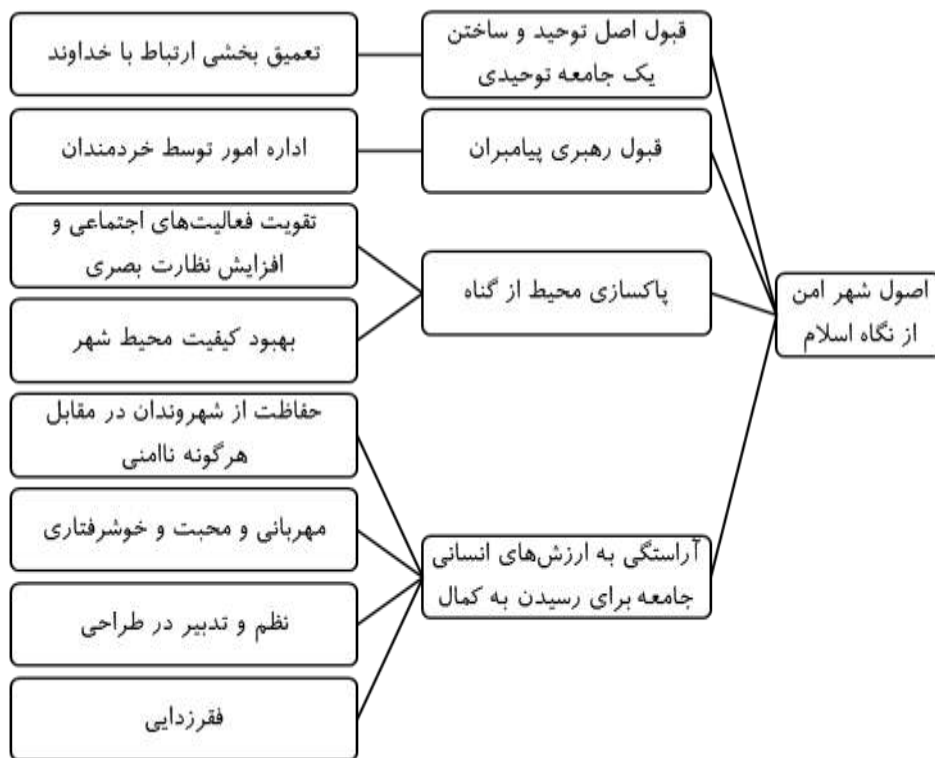
۱. خدا به کسانی از شما بندگان که به خدا و حجت وی ایمان آوردید و نیکوکاری کردید، وعده فرمود که در زمین خلافت دهد، چنان‌که امم صالح پیامبران سلف، جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی‌هیچ شرک و ریا پرستش کنند. (سوره نور، آیه ۵۵)

۲. اوست خدایی که سکینه و وقار را بر دل‌های مؤمنان آورد. (سوره فتح، آیه ۴)

۳. با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آیین خدا باشد (سوره بقره، آیه ۱۹۳).

دیدگاه اسلام به حساب می‌آیند. از این رو، این شاخصه‌ها باید در منظر عینی و ذهنی شهر اسلامی قابل دیدن و بازیابی باشند. در این زمینه، شاخصه «آراستگی به ارزش‌های انسانی جامعه و محافظت از شهروندان در مقابل هرگونه ناامنی»، به واسطه ارتباط مستقیم با حقوق و قوانین، در حوزه مداخله فقه اسلامی قرار دارد. توجه به این مهم، می‌تواند به‌خصوص در قواعد مدنی فقهی، گامی مؤثر در دستیابی به امنیت در منظر شهر اسلامی باشد. از این رو، در ادامه به‌صورت خاص به مواردی در این زمینه پرداخته خواهد شد.

نمودار ۱: اصول و راهبردهای تحقق شهر امن از نگاه قرآن



مأخذ: حمیدرضا صارمی و مسعود صارمی، ۱۳۹۰، ص ۱۱

کاربرد فقه در تحقق امنیت در منظر شهری

فقهای صدر اسلام، در مواجهه با شهرنشینی روزافزون جامعه در سده‌های دوم تا یازدهم هجری، به تعریف و ماهیت و اجزای ساختمان در بافت شهری، تعیین حقوق و مزایای بنا و تعریف عرصه‌های خصوصی و عمومی می‌پرداختند. (هلد، ۱۹۸۶، ص ۳۰) این قوانین از منابع فقهی استنباط می‌شود.^۱

ابن‌اخوه در کتاب *معالم‌التقریه فی احکام‌الحسبه*^۲ که آن را *آیین شهرداری* نام نهادند، با بهره‌گیری از قواعد فقهی، نوع رفتار مسلمانان را تشریح می‌کند. «نهضت حیات اقتصادی در قرون میانه اسلامی، وجود تقلب‌ها و خیانت‌هایی که برخی از افراد به آن دست می‌زدند و هم‌چنین تمایل حکومت به مبارزه با این اعمال ناپسند، از عوامل ایجاد سازمان *حسبه* بود» (عباسی و فروهی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۹)

ابن‌اخوه در مباحث کتاب خود، نشستن مردم در کوچه‌های تنگ را نهی می‌کند و آن را نوعی تجاوز به شمار می‌آورد و می‌گوید: «بر محتسب است که از این عمل باز دارد تا به مردم زیانی نرسد». او هم‌چنین تنظیم بازار از کثافات را وظیفه بازاریان می‌داند، زیرا از آن‌جا که کثافات انباشته شده برای مردم زیان‌بخش است، وی این کار را مبتنی بر قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار» می‌داند:

۱. عقل یکی از منابع فقهی است که طبق آن باید وضعیت عصر حاضر و عرف را در نظر گرفت. فقها با توجه به مقتضیات زمان و مکان، از طریق اجتهاد، احکامی را برای استمرار زندگی مردم، بر اساس اصول فقه اسلامی وضع می‌کردند و بدین ترتیب قوانین و احکام اسلامی، در طول تاریخ اسلام بر زندگی مسلمانان حاکم بوده است. (عبدالستار، ۱۳۷۶، ص ۱۲) با از میان رفتن حاکمیت علم فقه و اصول و قوانین برگرفته از شریعت اسلامی بر حوزه‌های مطرح در رفتارها و قوانین حقوقی حاکم بر تعاملات بین افراد جامعه، رنگ و بوی اسلامی و هویت دینی رفتارها، و به تبع، فضاهای معمارانه شهرها و بناها، جای خود را به تقلید کورکورانه و مضحک از ظواهر زندگی و فرهنگ غربی سپرد.

۲. کتاب *معالم‌التقریه فی احکام‌الحسبه*، اثر ارزشمند ابن‌اخوه است که اطلاعات مفیدی از اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی مصر در عصر ممالیک را دربر دارد و تاکنون به شکل مستقل بررسی نشده است. این اثر در شناخت چگونگی نظارت حکومت بر بازار و اعمال تعزیرات حکومتی در سده‌های میانه اسلامی بسیار مهم است.

بر کسی روا نیست که از بام و پنجره، همسایه‌ها را بنگرد و نیز مردان را روا نیست که بی هیچ حاجتی بر سر راه زنان نشینند. هر کس چنین کند، تعزیر آن بر محتسب واجب است. (ابن‌اخوه، ۱۳۶۷، ص ۳۷-۹۵)
قواعد فقهی را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی نمود:

نمودار ۲: انواع قواعد فقهی



نگارندگان: اقتباس از (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۷) و (محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۱-۴)

۱. قاعده سلطنت بر اموال

قاعده تسلط که به «قاعده تسلیط» یا «قاعده سلطنت» نیز مشهور است، بر اساس این حدیث از پیامبر ﷺ مطرح می‌گردد: «مردم بر اموال خویش مسلط هستند»^۱. «مفاد قاعده مرکب از دو جزء ایجابی و سلبی است: هر مالکی بر انواع تصرف‌ها در امور خویش مسلط است و هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند سلطنت وی را بر اموالش محدود سازد». (علیدوست و ابراهیمی راد، ۱۳۸۸، ص ۷) به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آن‌که به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد.

۱. «الناس مسلطون علی اموالهم».

تبعیت عمق و هوا از ملک مالک (اعم از شخص، دولت و ملت)، تابع اعتبار عرفی است و مردم براساس ارتکازات، بناها و قراردادهای اجتماعی در هر مورد، حدودی را تعیین می‌کنند و خارج از آن را خارج از سلطنت مالک می‌دانند. این ارتکاز در همه زمانها و مکانها بوده و شارع مقدس نیز ردعی از آن نکرده و طرحی جدید نداده است. (همان، ص ۱۹-۲۱) پس به تأیید شارع نیز رسیده، بنابراین، ساخت و ساز خارج از عرف و برج‌سازی‌های غیرمعمول در شهرها، طبق این قاعده قابل تفسیر نیست و خلاف آن به حساب می‌آید.

حدود اختیارات مالک طبق این قاعده، مطلق نیست. بی‌شک، شارع مقدس در امر تسلط انسان‌ها بر اموالشان محدودیت‌هایی را اعمال کرده است؛ بنابراین، نصوص دینی بر این متفقند که «هرگاه از ناحیه تصرف متصرف، خسارتی بر دیگران وارد شود، به گونه‌ای که عرفاً خسارت به متصرف اسناد داده شود، او ضامن خواهد بود». (حرعاملی، بی‌تا، ص ۱۷۹-۱۸۱)

نمی‌توان فقیهی را یافت که به سلطنت مطلق مالک بدون هیچ قید و شرطی قائل باشد، مگر این‌که مزاحمت و فوت مال لازمه طبیعی تصرف باشد. جدول شماره ۲ مصادیق و نمونه‌های رعایت و عدم رعایت قاعده سلطنت در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: مصادیق استفاده از قاعده سلطنت در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت

قاعده سلطنت	مصادیق مداخله و سامان با رویکرد تقویت امنیت	اصول مرتبط با شهر امن از دیدگاه اسلام	مصادیق قاعده در منظر شهری
کالبد منظر عینی	تبعیت اعماق زمین و هوا نسبت به املاک شخصی، تا حدود احتیاجات عرفی است و وسایل جدید دخالتی در تعیین مقدار عرفی ندارد. ساخت و ساز خارج از عرف طبق این قاعده قابل تفسیر نیست.	اصل نظم و تدبیر در طراحی محافظت از شهروندان در مقابل ناامنی	ساخت و ساز و ارتفاع بدنه‌ها متناسب با عرف و عرض معبر 

		<p>انجام‌دادن فعالیت‌هایی که خسارتی به دیگران وارد نمایند به گونه‌ای که خسارت به متصرف استناد داده شود.</p>	<p>فعالیت</p>
<p>استفاده از عوامل طبیعی در افزایش مطلوبیت منظر شهری و عدم سلب آزادی‌های دیگران</p>  <p>تخریب و تضعیف منظر ذهنی شهروندان از طریق ساخت‌وساز غیرمجاز و خلاف قوانین</p> 		<p>حدود اختیارات مالک طبق این قاعده مطلق نیست. افراد در انجام‌دادن فعالیت‌های خود آزادند تا آن‌جا که رفتار آن‌ها آزادی دیگران را سلب نکند. انجام‌دادن فعالیت‌های متصرف چنان‌چه باعث تخریب یا تضعیف منظر ذهنی شهروندان گردد، شامل قاعده سلطنت است.</p>	<p>منظر ذهنی</p>

ماخذ: نگارندگان

۲. قاعده اتلاف

فقیهان در موارد مختلف برای اثبات ضمان و مسئولیت مدنی، به «قاعده اتلاف» تمسک جسته‌اند. ایشان این قاعده را با عبارت «من آتلف مالَ الغير فهُوَ و لَه ضامن» عنوان نموده و در اعتبار آن چنین گفته‌اند که اثبات این که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد؛ همین که ضرورت و اجماع و نصوص فراوانی بر این دلالت می‌کند که مال، عمل و عرض و خون مسلمان محترم بوده و نمی‌توان به آن ضرر وارد کرد، بر این قاعده دلالت دارد. (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱، ص ۴۲)

اتلاف بر دو قسم است:

۱. اتلاف حقیقی که شخصی مال دیگری را به کلی از بین ببرد؛ مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه‌اش را خراب کند؛

۲. اتلاف حکمی که نفس مال از بین نمی‌رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می‌شود؛ مثلاً شخصی وسایل سرمایش متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار نماید و به صاحبش بازگرداند. هرچند عین آن را نابود نکرده، آن را از مالیت و ارزش انداخته و مرتکب اتلاف حکمی شده است. در اتلاف، وجود اعتباری مالی که تلف می‌شود، بر ذمه قرار می‌گیرد و تلف‌کننده باید از عهده این ذمه برآید. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴)

واژه مال در منابع، شامل منافع و چیزهایی می‌گردد که انسان بدان نیازمند است و به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در سلامت، رشد و تمامیت جسمانی او تأثیرگذار است و قابلیت بهره‌برداری دارد؛ بنابراین می‌توان بر این نظر بود که «قاعده اتلاف، تنها ناظر به خسارات مالی نیست، بلکه ضرورت جبران خسارات دیگر، از جمله خسارات معنوی نیز از آن قابل استنباط است؛ چرا که، طبق ادله مورد استناد، مفاد قاعده این است که هر کس موجب خسارت شخص دیگر در مال، منافع، جان، آبرو، حیثیت و یا هر حق دیگر شود، ضامن است و اختصاص به تلف مال ندارد». (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱، ص ۴۵) جدول شماره ۳ مصداق استفاده و عدم استفاده از قاعده اتلاف در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: مصداق استفاده از قاعده اتلاف در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت

مصادق قاعده در منظر شهری	اصول مرتبط با شهر امن از دیدگاه اسلام	مصداق مداخله و سامان با رویکرد تقویت امنیت.	قاعده اتلاف
<p>احداث ساختمان در منطقه مسکونی شهر مشهد به گونه‌ای که موجب کاهش حریمیت و نورگیری خانه‌های اطراف است.</p>  <p>پیش آمدگی خانه‌ها به سمت معابر و ایجاد حس ترس و ناامنی خصوصاً در شب</p> 	<p>محافظت از شهروندان در مقابل ناامنی. مهربانی، محبت و خوش رفتاری. بهبود کیفیت محیط شهری</p>	<p>احداث ساختمان به گونه‌ای که باعث ممانعت دید و نور و مزاحمت‌های دیگر برای همسایگان شود، (موجب اتلاف مال آنان گردد)</p>	<p>منظر عینی</p>

<p>انجام دادن فعالیت‌های نامناسب و افزایش آلودگی‌های بصری و سد نمودن مسیر عبور و مرور شهروندان و وارد نمودن خسارت‌های مادی و معنوی به آن‌ها.</p> 	<p>فعالیت‌های نامناسب و ... به گونه‌ای که خسارت مادی و معنوی به شهروندان وارد شود.</p>
--	--

مأخذ: نگارندگان

۳. قاعده تسبیب

بسیاری از فقیهان، قاعده تسبیب را شاخه و مصداقی از قاعده اتلاف قلمداد کرده‌اند؛ و اتلاف را به «اتلاف بالمباشره» و «اتلاف بالتسبیب» تقسیم نموده‌اند. (امام خمینی، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۹۰)

اما برخی از فقیهان هم با اشاره به روایت سکونی از امام صادق علیه السلام، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «هر کس ناودانی یا گودالی در راه مسلمانان ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمانان حفر نماید و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین بیفتد، ضامن است»،^۱ این‌گونه اظهار نظر کرده‌اند:

انصاف این است که از این روایت، قاعده کلی استظهار می‌شود. آن قاعده این است: هر فعلی که از فاعل عاقل مختار صادر شده باشد و آن فعل عادتاً سبب وقوع تلف در مال یا جان مسلمانان باشد و بین آن فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار به طوری که در نزد عرف و عقلا تلف به او

۱. «من أخرج ميزاباً أم كنيفاً أو أوتد و تدأ أو أوثق دابةً، أو حفر شيئاً في طريق المسلمين، فأصاب شيئاً فعطب فهو له ضامن». (حرعاملی، بی‌تا، ص ۱۸۲)

اسناد داده شود، فاصله نشود، فاعل چنین سببی ضامن است. (انتظاری و محقق

داماد، ۱۳۹۱، ص ۵۶)

در تسبیب، عمل شخص مستقیماً مال دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه رابطه بین عمل شخص و اتلاف مال به این‌گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد.^۱ وجه اشتراک قاعده اتلاف و قاعده تسبیب، این است که در هیچ کدام از این دو قاعده، عمد و قصد اضرار لازم نیست؛ بلکه همین اندازه که تلف و ضرر به دیگری وارد شود، کافی است. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰) جدول شماره ۴ مصداق استفاده از قاعده تسبیب در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: مصداق استفاده از قاعده تسبیب در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت

مصادیق مداخله و سامان با رویکرد تقویت امنیت.	اصول مرتبط با شهر امن از دیدگاه اسلام	مصادیق قاعده تسبیب
استفاده از تراکم غیرمجاز، عدم تأمین پارکینگ و... تفکیک قطعات بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از عرف منطقه و صدور پروانه به صورتی که به زیبایی منطقه ضربه می‌زند.	محافظة از شهروندان در مقابل ناامنی. مهربانی، محبت و خوش رفتاری. بهبود کیفیت محیط شهری	تراکم غیرمجاز و فروش تراکم  عدم جانمایی پارکینگ، منجر به پارک خودرو در معبر و کاهش ایمنی عابران پیاده به دلیل کاهش عرض مفید معبر شده است.

۱. برای مثال، اگر شخصی حیوان کسی را بکشد، متلف است؛ اما چنان‌چه در مسیر عمومی چاهی حفر کند و حیوان متعلق به دیگری در آن بیفتد و بمیرد، مسبب است.

 <p>عدم نظارت بر ساخت و ساز باعث افزایش ناامنی برای شهروندان شده است. (بیروزدگی الحاقات ساختمان)</p> 			
 <p>وجود ساختمان‌های بدون بنا، منجر به تضعیف منظر ذهنی و کاهش کیفیت محیط شهری و در نتیجه کاهش امنیت می‌شود.</p>		<p>بی‌توجهی به زیبایی و آراستگی نما، میلمان شهری و ...</p>	<p>منظر ذهنی</p>

مأخذ: نگارندگان

۴. قاعده لاضرار

قاعده لاضرر، یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مانند معاملات و عبادات به آن استناد می‌شود و مستند بسیاری از مسائل فقهی به شمار می‌آید. مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار، منبع چهارم فقه یعنی عقل است.

بررسی موارد استفاده واژه‌های «ضرر» و «ضرار» در منابع اسلامی، نشان می‌دهد که ضرر، شامل تمام خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، ولی ضرار مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی، به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به «سوء استفاده از حق»^۱ تعبیر می‌شود. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۴۰)

کلمه «ضرار» بنابه نقلی، از مصدر مفاعله است و اگر چنین باشد، معنای ضرار به جهت دوطرفه بودن باب مفاعله عبارت است از: ضرر بر غیر در مقابل ضرری که از غیر بر او وارد شده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸) امام خمینی فرموده‌اند:

ضرر و اضرار، بیش‌تر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان به کار برده شده است و ضرار و واژه‌های مترادف آن، به معنای در تنگنا قرار دادن و ایجاد ناراحتی و مشقت به دیگران است. (نوحی، ۱۳۸۴، ص ۳۱-۴۰)

قاعده لاضرار درباره سمره بن جندب است.^۲ رسول اکرم ﷺ سمره را مضاراً خواندند، و ناگفته پیداست که وی با استفاده از حق خود می‌خواست که به صاحب منزل زیان رساند. (محقق داماد، همان)

1. Abusing of right.

۲. سمره در محوطه‌ای متعلق به یکی از انصار، درخت خرمايي داشت و برای سرکشی به درخت خود، بدون اجازه وارد آن خانه می‌شد و به محوطه می‌رفت. مرد انصاری به حضرت رسول اکرم ﷺ شکایت نمود. اما با موعظه و پیشنهاد خرید درخت و حتی پیشنهاد معنوی و پاداش روز قیامت وی از عمل خود دست نکشید. در این موقع رسول اکرم ﷺ به آن مرد انصاری فرمود: «درخت را از ریشه برآور و نزد وی بینداز که اسلام دین ضرری نیست». (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ص ۲۹۲)

بر اساس قاعده لاضرر، تصرفات در ملک شخصی باید بر اصول و ضوابطی مبتنی باشد که سبب اضرار به دیگران نشود و متقابلاً دیگران نیز در اعمال حقوق خود طوری عمل نمایند که زیانی از تصمیم‌ها و فعالیت‌های آنان متوجه غیر نگردد. حقوق‌دانان در توضیح این ماده، معتقدند که: اگر تصرفات شخصی در ملکش بیش از حد متعارف باشد، مثلاً در شهری متعارف نیست که ساختمان ده طبقه بسازند، ولی مالکی در ملک خود چنین کند و در نتیجه، علاوه بر اشراف بر خانه‌های اطراف، همسایه‌ها را از هوا و نور آفتاب محروم کند، در چنین صورتی یقیناً جای قاعده "لاضرر" است و اگر مالک اقدام به ساخت نمود، دادگاه موظف است جلو او را بگیرد و اگر خسارتی متوجه همسایه شد، ملزم به جبران آن خواهد شد.

توسعه عمودی شهر یا بلندمرتبه‌سازی در سال‌های اخیر، به یکی از راهبردها و برنامه‌های توسعه شهری تبدیل شده که البته مزایای متعددی دارد. اما در صورت ضعف در برنامه‌ریزی، می‌تواند آثار منفی زیادی بر کیفیت زندگی و فضای شهری از جوانب کالبدی، فضایی و معنایی بگذارد. به‌طور کلی می‌توان گفت: توسعه عمودی شهری می‌تواند به بسیاری از مسائل شهری مانند کمبود زمین، مسکن، کاهش حمل و نقل، کاهش هزینه تأسیسات شهری، جلوگیری از رشد افقی شهرها، کاهش آسیب‌های وارده بر محیط زیست و ... پاسخ دهد. (شماعی و جهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۴) اما فارغ از این جنبه‌های مثبت، در بسیاری از موارد، بلندمرتبه‌سازی با هدف صرفه‌جویی در مصرف زمین گران‌قیمت و سودآوری انجام می‌شود و این عمل، غالباً به شکستن حریم، کاهش محرمیت، ایجاد خرداقلیم و سایه‌اندازی بر خانه‌های اطراف، افزایش تراکم جمعیتی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، ترافیک و تشدید خسارات ناشی از حوادث طبیعی و مصنوعی بر محدوده‌های هم‌جوار می‌انجامد. که بی‌شک به واسطه آثار منفی بر کالبد و عملکرد شهر و منظر آن می‌تواند مصداق عبور از قاعده لاضرر باشد. جدول شماره ۵ مصداق استفاده از قاعده لاضرر در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵: مصداق استفاده از قاعده لاضرار در منظر شهری معاصر با رویکرد تقویت امنیت

<p>مصداق قاعده در منظر شهری</p>	<p>اصول مرتبط با شهر امن از دیدگاه اسلام</p>	<p>مصداق مداخله و سامان با رویکرد تقویت امنیت</p>	<p>قاعده لاضرار</p>
<p>تعبیه پنجره‌هایی با عرض کم و استفاده از آن‌ها به عنوان نورگیر و عدم اشراف برواحدهای روبه‌رو</p>  <p>جهت‌گیری مناسب بناها به گونه‌ای که مانع سایه‌اندازی آن‌ها بر روی یکدیگر می‌شود.</p> 	<p>محافظةت از شهروندان در مقابل نا امنی. مهربانی، محبت و خوش رفتاری. بهبود کیفیت محیط شهری.</p>	<p>رعایت تناسبات ارتفاع به عرض معبر و بناها با توجه به ویژگی‌های انسان مسلمان و نیازهای او و بهره‌مندی ساکنان از نور مناسب و عدم اشراف بر خانه‌های اطراف. جهت‌گیری بناها نباید به گونه‌ای باشد که آن</p>	<p>منظر عینی</p>

<p>افزایش ارتفاع دیوارها توسط عناصر کالبدی و کاهش دید خانه‌های روبه‌رو به داخل خانه مسکونی</p> 		<p>محیط نامطلوبی به بار بیاورد. عرض کافی پیاپی و مناسب‌سازی فضاهای شهری، اهمیت به</p>	
<p>افزایش پله‌ای تراکم در خیابان امام رضا <small>ع</small> مشهد به منظور عدم انسداد دید به حرم مطهر و بهبود کیفیت محیط</p> 		<p>کنج‌ها و گوشه‌ها، رعایت حریم زمین، مالکیت همسایگی‌ها و حریم معابر، هماهنگی</p>	
<p>انسداد پنجره‌ها توسط ورقه‌های آهنی و استفاده از آنها به عنوان نورگیر و عدم باز شدن آنها به روی خانه‌های روبه‌رو و افزایش حس محرمیت</p> 		<p>ظاهری و باطنی خانه‌ها با یک‌دیگر (به خصوص در نماها) و استفاده بهینه از مصالح.</p>	

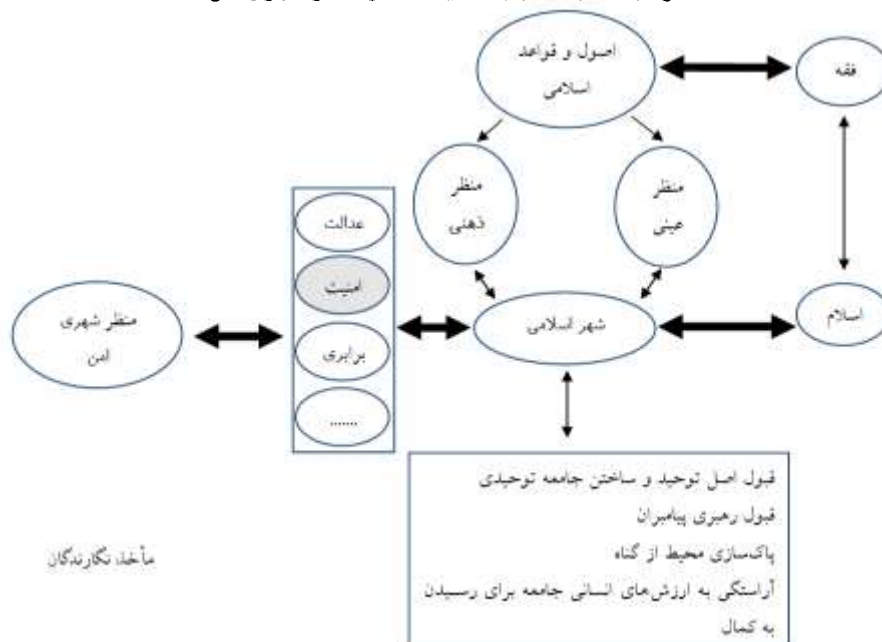
<p>تناسب ارتفاع بدنه‌ها و عرض معابر و کاهش حس ترس و ناامنی</p> 	<p>افزایش تراکم نباید به ترس شهروندان منجر شود. مدیریت شهری بر مبنای عدالت صورت پذیرد. فضاهای شهری پاکیزه باشند. افزایش حس "امید" در شهر با رفتار مهربانانه مردم با هم و عدم وارد ساختن ضرر به یک‌دیگر</p> <p>منظر ذهنی</p>
---	---

مأخذ: نگارندگان

پیشنهادها و نتیجه

براساس مطالب پیش‌گفته، چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از معضلات جوامع شهری مانند به خطر افتادن جان و مال مسلمانان، آسیب‌های مادی و معنوی مرتبط با فعالیت و رفتار دیگران، اتلاف مال و ... که تهدید و نقضی بر نمایش و تجسم امنیت در شهر و منظر آن است، چنان‌چه در شهرهای سنتی ایرانی-اسلامی و مدیریت آن‌ها وجود داشته، با مراجعه به قوانین و اصول اسلامی قابل حل است. موضوعات یادشده، آشکارا در قواعد فقهی وجود دارد و توجه و دخالت آن‌ها در قوانین شهری، می‌تواند نقش بسزایی در ظهور و دستیابی به امنیت در منظر شهری داشته باشد. نمودار شماره ۳ گویای این مهم است.

نمودار شماره ۳: ارتباط میان فقه و منظر شهری امن



فقه به عنوان اصول و قوانین بازدارنده و یا وادارنده در حوزه شریعت، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این زمینه، با بررسی و استنتاج از قواعد فقهی، می‌توان به اصول و پیشنهادهایی برای دستیابی به منظر شهری امن دست یافت. (جدول شماره ۶)

جدول شماره ۶: پیشنهاد‌های مؤثر در تحقق منظر شهری امن با توجه به اصول مرتبط با شهر امن

نام فاعده	تعریف	اصل مرتبط با شهر امن	جنبه	پیشنهاد‌های مؤثر در تحقق منظر شهری امن
فاعده سلطنت	اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آن‌که به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد.	اصل نظم و تدبیر در طراحی محافظت از شهروندان در مقابل ناامنی	ذهنی	رعایت حقوق ساکنان در دخل و تصرف در بنا
فاعده تسبیب	هر فعلی که از فاعل عاقل مختار صادر شده باشد و آن فعل عادتاً سبب وقوع تلف در مال یا جان مسلمانان باشد و بین آن فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار فاصله نشده، به طوری که در نزد عرف و عقلا تلف به او اسناد داده شود، فاعل تسبیب سببی ضامن است.	اصل بهبود کیفیت محیط شهری اصل اداره امور توسط خردمندان اصل تعمیق بخشی ارتباط با خداوند	ذهنی	افزایش تراکم نباید به اتلاف املاک مجاور منجر شود. (از نظر بهبودمندی آن املاک از نور و تهیه به باد) حفظ بناها، بافت‌های تاریخی و سرمایه‌های فرهنگی و طبیعی و جلوگیری از اتلاف منابع به لحاظ مادی و معنوی) حفظ مناظر و چشم‌اندازهای مطلوب شهر حفظ هویت شهر در منظر شهری
فاعده اتلاف	چنین سببی ضامن است. در تسبیب، عمل شخص مستقیماً مال دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه رابطه بین عمل شخص و اتلاف مال به این‌گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد.	عینی	عینی	طراحی برای دست‌یابی به کالبد معنوی و روح معنوی در شهر (با توجه به این‌که اتلاف، جنبه‌های معنوی را نیز دربرمی‌گیرد)

<p>مدیریت شهری مبتنی بر عدالت باشد. فضاهای شهری پاکیزه باشند. حفظ محریت از طریق وضع قوانین و طراحی مناسب و عدم اشراف افراطی حسن "امید" در شهر با رفتار مهربانه مردم با هم رعایت تناسب ارتفاع جداره و منبر به طوری که القاکننده حس ترس نباشد. هم کاری مسلمانان در دست‌یابی به منظر شهری هماهنگ و بدون اغتشاش بصری برای ایجاد آرامش روانی اهالی شهر هم کاری شهروندان و ساکنان در برطرف نمودن مشکلات منظری که از نظر بصری نامناسب هستند.</p>	<p>ذخعی</p>	<p>محافظة از شهروندان در مقابل ناامنی، مهربانی، محبت و خوشرفتاری، بهبود کیفیت محیط شهری.</p>	<p>ضرر و اضرار، بیش تر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان به کار برده شده که طبق این قاعده حرام است.</p>	<p>قاعده لاضرار؛</p>
<p>تأدین قوانین دقیق و رعایت آن برای مقابله با جلورآمدگی خانه‌ها و تراکم ساختمانی بالای خانه‌ها رعایت تناسب ارتفاع به عرض معبر با توجه به ویژگی‌های انسان مسلمان و نیازمندی‌های او استفاده بهینه از مصالح، رعایت حریم زمین، مالکیت همسایگی‌ها و حریم معابر، هماهنگی ظاهری و باطنی خانه‌ها با یک‌دیگر (به‌خصوص در نماها). طراحی مبتنی بر عدالت (عرض کافی پیاده‌روها، مناسب‌سازی فضاهای شهری، اهمیت به کنج‌ها و گوشه‌ها و طراحی متفاوت آن‌ها با سایر بخش‌های نما که نقشی مهم در ارتقای امنیت منظر فضاهای عمومی شهر دارد) برطرف نمودن مشکلات ناشی از طراحی و نظارت نامناسب که باعث به خطر افتادن جان مسلمانان می‌شود. (بیرون آمدگی‌ها، بناهای ناپایدار و جهت‌گیری نامناسب این‌ها)</p>	<p>عینی</p>			

مأخذ: نگارندگان

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. الیوت، تی.اس، درباره فرهنگ، مترجم: حمید شاهرخ، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۹.
۲. انتظاری، علی‌رضا و سیدمصطفی محقق داماد، «نقش قواعد اتلاف و تسیب در مسئولیت مدنی زیست محیطی»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ش ۸۹، سال چهل و چهارم، ۱۳۹۱.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه، «میزگرد نقش فضاهای شهری در تأمین امنیت اجتماعی»، ماهنامه شهرداری‌ها، ش ۴۱، ۱۳۸۱.
۴. پورجعفر، محمدرضا، تجلی خرده‌فرهنگ‌های ایرانی اسلامی در طراحی فضاهای شهری، تهران: آرمانشهر، ۱۳۹۳.
۵. حاجی‌ده‌آبادی، احمد، قواعد فقه جزایی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۶. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل‌الشیعه، ج ۱۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۷. حسینی، فرزانه، «بررسی و ارائه شاخص‌های کالبدی-کارکردی مؤثر بر ارتقای امنیت فضاهای عمومی شهری، نمونه: پارک دانشجو»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، «اهداف فقه و وظیفه فقیهان در پیام مقام معظم رهبری به نخستین کنگره علمی تخصصی دائرةالمعارف فقه بر مذهب اهل بیت (ع)»، فصلنامه فقه/اهل بیت، شماره اول، ۱۳۷۴.
۹. خسروپناه، عبدالحسین، «چیستی فلسفه فقه با تأکید بر تعریف فقه»، کتاب نقد، ش ۵۴، سال دوازدهم، ۱۳۸۹.
۱۰. خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، الطبعة الثالثة، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۱۱. شماعی، علی و رحمان جهانی، «بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله‌ای (مطالعه موردی، منطقه ۷ تهران)»، فصلنامه شهر ایرانی/اسلامی، شماره ششم، ۱۳۹۰.
۱۲. صارمی، حمیدرضا و مسعود صارمی، «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام»، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۲۷، سال ۱۳۹۰.

۱۳. صدری، سیدمحمد، پدیداری و پایداری فقه هزار و چهارصد ساله، جزوه رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۳.
۱۴. عباسی، علی‌اکبر و آرمان فروهی، «بررسی چگونگی اعمال تعزیرات حکومتی در قرن هفتم هجری بر اساس کتاب معالم القریه فی احکام الحسیبه»، پیام بهارستان، دوره دوم، ش ۲۱، سال ششم، ۱۳۹۲.
۱۵. عبدالستار عثمان، محمد، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۱۶. علی‌آبادی، محمد و مجید هاشمی، «ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی»، نشریه علمی - پژوهشی انجمن معماری و شهرسازی ایران، شماره اول، ۱۳۸۹.
۱۷. علیدوست، ابوالقاسم و محمد ابراهیمی‌راد، «بررسی قاعده تسلط و گستره آن»، حقوق اسلامی، ش ۲۴، سال هفتم، ۱۳۸۹.
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۵، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۹. گلکار کورش، «محیط بصری شهری؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار»، فصلنامه علوم محیطی، سال پنجم، شماره چهارم، ۱۳۸۷.
۲۰. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۱. محملی ابیانه، حمیدرضا، «ارزیابی مفهوم منظر در طرح‌های شهری مقایسه تطبیقی سیر تکوین طرح‌های جامع تهران با تجارب جهانی»، فصلنامه باغ نظر، ش ۱۷، ۱۳۹۰.
۲۲. محمودی، سیدامیرسعید، «منظر شهری؛ مروری بر چند نظریه»، فصلنامه آبدی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، ۱۳۸۵.
۲۳. مرتضی، هشام، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، مترجمان ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷.
۲۴. مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی (مجموعه سه جلدی)، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۲۵. مؤیدی، محمد، منوچهر علی‌نژاد و حسین نوایی، «بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری» (نمونه مورد مطالعه محله اوین تهران)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۳۵، پاییز ۱۳۹۲.

۲۶. نقی‌زاده، محمد، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، اصفهان: انتشارات راهیان، ۱۳۸۵.
۲۷. نوحی، حمیدرضا، قواعد فقهی در آثار امام خمینی علیه السلام، تهران: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴.
۲۸. هُلد، رناتا، «در جست‌وجوی تعریف هنر معماری در دوره اسلامی»، ترجمه فرزین فردانش، فصلنامه رواق، ش ۴، سال ۱۳۷۸.